

بسوی طرحی کلی

در تنظیم

کتابهای درسی رشته حسابداری



دکتر حسین عبده تبریزی

طی دو سه سال اخیر یکی از مشغله های فکری من این بوده است که متدولژی قابل قبولی برای تنظیم و تدوین کتاب های دانشگاهی حسابداری پیدا کنم. از این رو به رغم ترجمه چند کتاب حجیم در زمینه حسابداری، دستم نمی رفت که به چاپ آنها اقدام کنم. به دنبال حلقه مفقوده ای بودم که این ترجمه ها را که عمدتاً از منابع غربی است، به اوضاع جهان سوم و امروز ایران پیوند بزنند. (هرچند که همین اواخر تصمیم گرفته ام بعضی از ترجمه ها را موقتاً به طور خام چاپ کنم و به آینده چشم بدورم.)

طبعاً چنین متدولژی ای نه تنها به کارتدوین کتاب های حسابداری، بلکه به کارتدوین کلیه کتابها در حوزه علوم مدیریت بازرگانی، و حتی فراتر از آن علوم اجتماعی، می آید. واقعیت این است که کتابهای درسی حسابداری قابل قبول محدود است، و آن چندتای قابل قبول هم کهنه و تجدید نظر نشده است.

استخوان بندی کتابهای حسابداری دانشگاهی ما برپایه کارهای اصولی و فداکارانه عرفانی و سجادی نژاد - و در پی آن دو، نبوی-شکل گرفته است. غیر از تلاشی که آقای سجادی نژاد در سال های اخیر جهـت تجدید نظر اساسی در کتاب حسابداری بهای تمام شده خود انجام داده اند، بین نیم قرن تا ۲۰ سال از چاپ اول بقیه کتاب های این سه مولف

می گذرد. در این فاصله، صدها تن از جوانان ایرانی از موسسات آموزشی حسابداری داخل و خارج فارغ التحصیل شده اند، و امتحانات انجمن های حسابداری آمریکائی و اروپائی را با موفقیت گذرانده اند. پاره ای از این افراد نیز در نظام آموزش عالی کشور جذب شده اند. با این همه هنوز کتاب های درسی افراد یاد شده تدریس می شود، و در بسیاری از زمینه ها نیز دانشجویان با مشکل فقدان متن حسابداری قابل قبول مواجه اند. هدف این مقاله آن نیست که علل این سستی ها، کم کاری ها و عدم موفقیت ها در زمینه تدوین کتاب های حسابداری را مورد بررسی قرار دهد، این کار موضوع بحث جسدی دیگری است که از صلاحیت نویسندگان این مقاله خارج است. هدف این هم نیست که از اسباب کار ضروری برای شروع فعالیت نگارش کتابهای حسابداری - از قبیل بودجه دولتی یا امکانات چاپ - صحبت کنیم. بحث ماصرفاً "محدود به چارچوب روش شناختی چنین کتاب هایی است: یعنی به فرض آماده بودن حداقل اسباب لازم و بالاتر از همه افراد مصمم و با اراده برای نگارش، از چه متدولژی ای باید تبعیت شود. و بالاخره، خواننده توجه دارد که در این مقاله متدولژی معینی هم عرضه نشده است، بلکه صرفاً "باب بحث گشوده شده است. و نویسنده پاره ای از خطوط عام نگارش کتاب های حسابداری را ترسیم کرده است. از این روست که مقاله را "به سوی طرحی کلی... " نامیده است.

برای رسیدن به یک متدولژی قابل قبول، من به یک رشته جمع بندی دست یافته ام، به بیان رسمی تر، پیشنهاد های گمانه هایی دارم:

- ۱- کتابهای درسی حسابداری و مالی گذشته (جدای از چندتا) خوب نبوده است، و بویژه با شرایط اقتصادی - سیاسی - اجتماعی ما نامربوط است. پیوند مطالب کتابهای حسابداری فارسی با شرایط

امروز ایران از آن هم ضعیف تر است. پس، در تدوین کتابهای جدید، باید مدل روش شناختی دیگری را برگزید، و با متدولوژی آن کتابها - هر چه که بوده است - کاری نداشت.

۲- محتوای کتابهای حسابداری - همچون سایر کتابها - را می توان بر دو پایه تنظیم کرد: روش توصیفی (Descriptive) و روش معیاری (Normative)، در اولی می گوئیم که چه چیزی موجود است، چه رویه های حسابداری ای معمول است، ساخت کلی حسابداری در سطح نهادهای تجاری - اداری - خدماتی به چه شکل است، چه استانداردهای حرفه ای متداول است، ... و در دومی می گوئیم که چه چیزی باید موجود باشد، چه رویه های حسابداری ای باید معمول شود، ساخت کلی حسابداری در سطح نهادهای تجاری - اداری - خدماتی به چه شکل باید تحول یابد، چه استانداردهای حرفه ای می باید متداول باشد. . . . پس مدل توصیفی وضعیت موجود را وصف می کند، و مدل معیاری معیارهایی به دست می دهد که به طرف آن باید حرکت شود. با توجه به این واقعیت که موسسات صنعتی - تجاری مابین استانداردها، رویه ها، طرز عمل ها، و ساختارهایی دست نیافته اند که بر مبنای آنها مولفان ایرانی کتاب تدوین کنند، چاره ای نیست مگر اینکه از روش معیاری استفاده شود. یعنی در کشورهای جهان سوم، و از جمله ایران، ترافیک انتقال اطلاعات برجاده ای دوطرفه در حرکت نیست، صنایع و واحدهای تجاری ماده خاصی در اختیار مولفین قرار نمی دهند که به آن شکل داده و آنها را وارد نوشته های خود کنند. برعکس، آنها بر پایه همین کتاب هاست که به وضع خود سرو سامان می دهند و نظام حسابداری

می سازند. یا، در وضعیت شیبه با آن، مشاوران مدیریست آنها عین نظام های حسابداری خارجی را اقتباس کرده و در این شرکت ها پیاده می کنند. پس، اگر کتاب حسابداری ما مربوط به سیر تحول تاریخی حسابداری در ایران نیست، باید در نگارش آن از روش معیاری استفاده کرد. اگر هم اشاره ای به وضعیت موجود می رود، باید این تذکر انتقادی بوده، ضعف های وضعیت موجود روشن شود.

ک با توجه به آنچه در بند ۲ ذکر شد، در تدوین کتاب های حسابداری به زبان فارسی ترجمه جای مهم و عمده ای دارد. این مساله رانه می توان کتمان کرد و نه باید آن گریزان بود. واقعیت تاریخی بیانگر آن است که کشورهای جهان سوم و از جمله ایران در زمینه های گسترده ای از علم و فن (وبه ویژه تکنولوژی) عقب افتاده اند، و این عقب افتادگی ضرورت مراجعه به مراجع خارجی را ایجاب می کند، و در حوزة کارمانیز، کتاب های حسابداری خارجی نقش عمده ای در شکل گیری کتاب های حسابداری فارسی دارد. اما، کتاب های مرجع خارجی تا به حال عمدتاً آمریکایی و انگلیسی بوده است، و در نگارش کتاب های حسابداری فارسی به مراجع غربی بسنده شده است. این سنت باید تغییر کند. مراجع بیشتر و متنوع تری باید مورد مطالعه و توجه مولفان ایرانی قرار گیرد.

در کتاب های حسابداری ما، تجارب و سهج تری از تجارب حسابداری غرب باید منعکس شود، بویژه به نظرم می رسد که آشنایی با رویه های حسابداری، قوانین مالی و تجاری، سنتهای

حسابرسی، و اخلاق تجاری ژاپنی ها با اهمیت باشد. اشاره به پاره ای از قوانین و ساختار عمومی حسابداری در کشورهای بلوک شرق - و آنها که در وسط هستند مثل یوگسلاوی و هند - نیز بارز است. بعضی مطالعات اقتصادی سازمان ملل نیز ارزش ویژه ای برخوردار است.

۴- صرف ترجمه کار ساز نیست. هرچند شك ندارم که مقولات اصلی، استانداردهای عملی، و رویه های اجرایی حسابداری را به طور معیار از خارجی های می گیریم، اما این ترجمه ها باید تعدیل شود: تعدیل شود تا با اوضاع و احوال اجتماعی - اقتصادی ما همخوان شود، تعدیل شود تا با سنت های آموزشی و نحوه تدریس ما بخواند، و تعدیل شود تا با امکانات فیزیکی ایران امروز عملی باشد. چه بسیار مقولات اصطلاحات، و مثال هایی که نه به درد خواننده ایرانی می خورد و نه برایش قابل هضم است؛ ذکر آنها برای خواننده خارجی به اعتبار پیشینه ای بوده که خواننده فارسی زبان فاقد آن است.

۵- در گنار ترجمه، مولف کتاب حسابداری باید تحقیقات کوچکی انجام دهد و برای کتاب خوراك تهیه کند. زمینه های اصلی این کار تحقیقاتی به شرح زیر است: (الف) بررسی قوانین و انطباق ترجمه ها با محدوده قانونی کار حسابداری در ایران.

(ب) تعیین اولویت های صنعتی تجاری در جهان سوم (مثلاً نفت در ایران) و پرداختن بیشتر به مقولات و رویه ها و مثالهایی که با این اولویت ها منطبق باشد (شاید در کتاب های اولیه آقایان عرفانی و سجادی نرسد - چنانچه بوده است). (ج) تحقیق در محدود زمینه هایی که بعضی رویه های عمل حسابداری ایرانی

داریم، از قبیل پاره ای دفاتر حسابداری مختص ایران و یا حسابداری يك طرفه معمول در باور. (د) شناسایی آن دسته از مباحثی که عینیت خارجی در اقتصاد ماندارد و نباید در کتاب های مابیناید، و اگر می آید باید در ساختار خارجی آن بیاید. مثلاً" شرح طرز عمل حسابداری انتشار و بایر پرداخت اوراق قرضه نباید در قالب مثال يك شرکت ایرانی بیاید، نباید زیاده آن اهمیت داده شود، و صرفاً" باید به مثابه يك نهاد ویژه کشورهای توسعه یافته غربی به دانشجو معرفی شود، و با ذکر مثال خارجی به توضیح در آید. (ه) انجام تحقیقات کوچکی در زمینه شناخت واکنش های رفتاری مدیران ایرانی وگزینش آن مدل ها، رویه های عمل، و کنترل های حسابرسی ای که با توجه به این الگوی رفتاری و فرهنگ ایرانی با حداقل مقاومت روبرو شده، به سادگی جذب موسسات ایرانی می شود (بررسی رفتار سازمانی کارکنان و مدیران ایرانی و یاتاثیرکنترل های حسابداری بر آنها).

ع باید بر آن حوزه هایی از حسابداری تاکید بیشتر شود که در ارتباط با اقتصاد توسعه است. ما راچندان با حسابداری شرکت های چند ملیتی کاری نیست، اما با حسابداری مقاطعه کاری سر و کار بسیار هست، با حسابداری انحصارات، ادغام ها، و اکتساب مالکیت ها کاری نیست، اما با حسابداری طرح های سرمایه گذاری و تجزیه و تحلیل پروژه های سرمایه گذاری کار زیادی هست، با حسابداری سهام ممتاز، حقوق اقلیت و اوراق قرضه قابل تبدیل کار زیادی نیست، اما با حسابداری بهای تمام شده برای صنایع کار بسیاری هست. پس، آموزش حسابداری

نیز باید با اوضاع و احوال اقتصادی کشور همگام باشد :
در عین حال که پاسخگوی حوزه های غیر توسعه هم هست، در خدمت
تمام و کمال اقتصاد توسعه باشد.

۷- در نگارش کتاب های حسابداری به فارسی، یکی از
دست اندازها توضیح حسابداری مکانیزه است. چون از مدل
معیاری تبعیت می کنیم، چاره ای نیست جز این که توضیح دهیم
چه انقلابی در حوزه مکانیزاسیون حساب ها - همچون
کامپیوتریزه شدن همه چیز دیگر - رخ داده است. اما چون این
آموزش، بدون در دسترس بودن کامپیوتر، چندان ممکن نیست
کار نگارش دشوار می شود. چگونه می توان به دانشجو حابرسی
حساب های مکانیزه را آموخت، بدون اینکه عملاً "بتواند"
اقدام به بازیابی پرونده های کامپیوتری کند. این مشکل
بیشتر خاص ایران است، چرا که با کاهش قیمت مینی -
کامپیوترها - که حالا دیگر به قیمت رادیو و تلویزیون است -
در بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز کامپیوتر مونتاژی شود.
هنوز شما "راه حلی برای این مشکل نمی شناسم، امامی دانم
با چه مخالفم. کتاب هایی مشابه جلد سوم حسابداری مدیریت
عرفانی (که در زمان خودش کار عمده ای هم بوده) که در آن نقش
کامپیوتر و حسابداری تصویری و تجسمی شرح داده شده است،
به کار خواننده نمی آید و به او چیزی نمی آموزد.

۸- و بالاخره اصطلاحات و برابری واژگان فرنگی که باید گفت
مانعی مرتفع بر سر راه تدوین کتاب های حسابداری است،
وبیشترین نگرانی، سرگردانی و اشکالات آموزشی دانشجویان
ار این سو است. در این مورد چه روشی را اتخاذ کنیم؟ با جسارت

به تعیین برابری ها اقدام کرده و هر جالازم شد واژه بساریم،
یابه آنچه هست بسنده کنیم، و برای آنچه نیست تعریف
عبارت گونه به دست دهیم؟ در این مورد تا آن زمان که فکری
اساسی برای فرهنگستان نشده، کاری اساسی نمی توان کرد -
تا آن زمان، و برای این دورهٔ برخی، من طرفدار نظریهٔ
اعتدال هستم. رشت* یادبیا، مقداری برابری های فارسی
برای اصطلاحات حسابداری جا افتاده است. بسیاری از آنها
هم که توسط پیشگامان فارسی دان مابوض شده، خوب است.
این برابری های مرسوم را باید به کاربرد، و از به کاربردن
عبارت به جای اصطلاح نیز نباید ترسید. نباید خود را ملزم
کرد که برای هر اصطلاح خارجی چون Leasing، یک واژهٔ
سره فارسی وضع کرد. هر چند که دیگر وقت آن رسیده است
که پیشگامان فن حسابداری در ایران - که هم به زبان فارسی
مسلط اند و هم سال ها با این واژه هادر کلاس و در صنعت کار
کرده اند، کمر همت به بندند و به یاری استادان زبان
فارسی فرهنگ حسابداری قابل قبولی تهیه کنند و مشکل
برابری اصطلاحات را - حداقل مقطعی - حل کنند.

اگر جمع بندی های بالا با نظریات سایر افراد تلفیق شده و به شکل
جمع و جور تر، روشن تر و منظم تر بیان شود، آن گاه می توان آن
را در قالب یک طرح کلی (طرحی که ارائهٔ چارچوب می کند) تنظیم

* رشت همچون اصطلاح " اولین صادره از آخرین وارده"، " اولین
صادره از اولین وارده"، " جریان های ناخالص وجوه تنزیل
شده" و امثال آنها.

کتاب های حسابداری ریخت. شکل عملی کارمی تواند این باشد که سایر نظرها نیز در حسابداری چاپ شود، و آن گاه يك هیات علاقمند به تلفیق نظریات پرداخته، طرحی را از این مجموعه استنتاج کند.

در پایان این مقال، در پاسخ آن خوانندگان نکته بینی که به ترجمه های خود من اشاره کرده و خواهند گفت، این حرف ها چیست و آن کرده ها کدام، عرض کنم که من خود به ضعف کارهای چاپ شده ام آگاهم، و هیچ يك از آن کتاب ها را نهایی تلقی نمی کنم، و در پی فرصتی که باز نویسی اساسی آنها را به پایان برم ●



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی